اقتصاد ایران

المپیاد برترین‌های کشاورزی آغاز شد . . . ۱۲

بورس

ارزیابی چالش‌های بانکی ۱۳

بازار

پایان دوران تردید ۱۴

بازار

افزایش سریع تعرفه‌ها غلط بود . . . ۱۴

عکس‌ها: میلاد پیامی، شرق

گفت‌وگو با مشاوران امور اصناف و بازرگانان رئیس جمهور

نگرانی اصناف از فعالیت‌های تجاری بنیادها

بهراد مهرجو : تصفیه مدیران ارشد دولتی از اولین روزهایی که دولت اصولگرایان بر سر کار آمد آغاز شد. مدیران دوران اصلاحات یکی پس از دیگری اتاق‌های کار خود را ترک کردند و جایگاه خود را به مدیری با مشی اصولگرایی دادند. اما این موضوع در مورد مشاورین صادق نبود. طرف‌های مشورت احمدی‌نژاد در امور اصناف و بازرگانان همان‌هایی هستند که هاشمی‌رفسنجانی و محمد خاتمی را نیز از نظرات خود آگاه می‌کردند. دو عضو ارشد موتلفه اسلامی همچنان در سمت مشاورین رئیس جمهور باقی مانده‌اند. یکی ۱۶ سال سابقه حضور در این سمت را دارد و دیگری ۹ سالی می‌شود که در ساختمان مشاورین ریاست جمهوری سکونت دارد. ابوالفضل توکلی‌بینا و محمدرضا اعتمادیان هر دو دوران جوانی خویش را در راه به ثمر رساندن انقلاب اسلامی صرف کردند. ایام میانسالی در جنگ و دوران سازندگی سپری شد و حالا روزهای کهولت را در مسند مشاورت سپری می‌کنند. ابوالفضل توکلی‌بینا و محمدرضا اعتمادیان ریشه‌های مشترک بسیاری دارند که حالا هر دو در یک ساختمان وظیفه همانندی را عهده‌دار شده‌اند. هر دو اصالت یزدی دارند و از موسسین موتلفه اسلامی به شمار می‌آیند. یکی از ۱۱ سالگی به تهران آمده و دیگری نیز کمی پخته‌تر بوده که قدم به تهران گذاشت و مشکلات مالی هر دو را یک سره به بازار تهران روانه ساخته. انگیزه‌های مذهبی در هر دو آن قدر قوی بود که پای توکلی‌بینا را به مسجد امین‌الدوله بازار باز کرد و اعتمادیان نیز آیت‌الله یزدی را برای مراسم مذهبی هفتگی به خانه خود می‌برد. در کوران مبارزه برای شکست حکومت پهلوی هر دو حضوری پررنگ داشتند. توکلی‌بینا به همراه دوست صمیمی خود سیدمهدی عراقی با آیت‌الله طالقانی، هاشمی‌رفسنجانی و اعضای نهضت ملی - مذهبی چند سالی را در زندان گذراند و اعتمادیان نیز مدتی را در زندان سپری کرد. گرایش مذهبی هر دو را به موتلفه اسلامی و دوستی با عسگراولادی، مهدی عراقی، صادق اسلامی و سیداسدالله لاجوردی پیوند زد. فعالیت‌های سیاسی هر دو و مشی فکری آنان با دولتی که در حال حاضر مسئولیت اداره قوه مجریه را برعهده دارد همسویی زیادی دارد. ابوالفضل توکلی‌بینا در کنار محسن رفیق‌دوست اتومبیل حامل امام را هدایت می‌کردند. پیوند مستحکم هر دو با موتلفه به‌عنوان حزبی اسلامی همچنان پس از گذشت ۴۳ سال آن قدرها مستحکم است که هر دو در آخرین انتخابات شورای مرکزی موتلفه اسلامی در لیست شورای مرکزی باقی ماندند. ۷۳ سال از عمر توکلی‌بینا و ۶۸ سال از روزهای پس از تولد اعتمادیان در سال ۱۳۱۷ می‌گذرد ولی هر دو کماکان اعتقاد دارند تا روزی که صلاح باشد در خدمت انقلابی که خود جزیی از آن به شمار می‌آیند، خواهند بود.

■ ابوالفضل توکلی‌بینا: آستان قدس رضوی حق تجارت ندارد

توکلی‌بینا در مورد شرایط حاکم بر وضعیت اصناف می‌گوید: «پس از پیروزی انقلاب دولت در جهت درستی حرکت نکرد. بهترین برخوردی که اصناف با دولت داشتند در همین دوران پس از انقلاب اتفاق افتاد. اصناف کشور را متعلق به خود می‌دانستند. جریان مالیات نیز این موضوع را اثبات می‌کند. بهترین دوره‌ای که اصناف خود با کمال میل تن به پرداخت مالیات دادند همان سال پس از پیروزی انقلاب بود. بعد از آن دیگر چنین اتفاقی رخ نداد چرا که برخورد مناسبی با اصناف صورت نمی‌گرفت. باید به آنها شخصیت داده شود تا آنها نیز رفتاری با حسن نیت از خود نشان دهند.» مشاور رئیس جمهور در امور اصناف و بازرگانان از روزگاری یاد می‌کند که امام(ره) بازاریان را به‌عنوان بازوان قوی انقلاب یاد می‌کرد.

توکلی‌بینا از خاطرات گذشته خود وام می‌گیرد تا به گونه‌ای علت انزوای کنونی اصناف را اثبات کند: «متاسفانه در اوایل انقلاب کج سلیقگی‌هایی صورت گرفت چرا که عده‌ای معتقد بودند باید یک جناح و قشر خاصی در کشور حرف اول و آخر را بزنند. چنین موضوعی در هیچ کجای دنیا وجود ندارد که یک سلیقه فقط باشد.» وی سپس می‌افزاید: «در ابتدای انقلاب کسبه بازار خودشان مالیات‌ها را به دولت پرداخت می‌کردند. یک نفر کاسب که اعتقاد دارد باید وجوهات بپردازد تمام دارایی‌های خود را محاسبه و حتی مواد خام و مصرف نشده را هم لحاظ کرده و وجوهات را پرداخت می‌کند. برخوردهای نامناسب با صنوف کشور موجب شده تا اتحادیه‌های صنفی مواضعی انتقادی در مقابل دولت و پرداخت مالیات اتخاذ کنند. بازاریانی که در دوره جنگ کمک‌های زیادی به جبهه‌های جنگ داشتند و جبهه‌ها را اداره می‌کردند حالا حتی حاضر نیستند مالیات‌های قانونی خود را به خزانه دولت واریز کنند.»

توکلی‌بینا در این مورد چنین اظهارنظر می‌کند: «شاید تجربه کافی در اداره حکومت وجود نداشته که چنین وضعی پیش آمده است. البته خیلی از نواقص بعدها برطرف شد ولی اگر برخورد مناسبی با اصناف صورت می‌گرفت نباید آنها در حال حاضر ناراضی می‌بودند. دولت‌هایی که پس از انقلاب سکان اداره مملکت را به دست گرفتند هرکدام به فراخور وضعیت خود شعارهایی مبنی بر واگذاری کارهایی که مردم می‌توانند انجام دهند به مردم و اصناف دادند. صرف‌نظر از دوران جنگ تحمیلی با عراق که فرصت خصوصی‌سازی نیز مهیا نبود در دو دولت آقایان اکبر هاشمی‌رفسنجانی و محمد خاتمی هدف واگذاری کارها به مردم همچنان ابتر باقی ماند.» توکلی‌بینا اعتقاد دارد که همین موضوع نیز از دیگر عوامل موثر در وضعیت نامناسب اصناف بوده است: «دولت اگر بخواهد کارایی داشته باشد باید تصدی‌گری را کنار بگذارد. دولت تاجر خوبی نیست. ولی بخش خصوصی در صورتی که در جایی مشکلی وجود داشته باشد به سرعت آن را برطرف می‌سازد. در زمان جنگ شرایط ایجاب می‌کرد که دولت در امور اجرایی دخالت داشته باشد ولی این جریان را به پس از جنگ هم تعمیم دادند.» مشاور رئیس جمهور در امور اصناف اضافه کرد: «دولت ما به‌جای اینکه از میزان تصدی‌گری خود بکاهد حتی در کنار هر وزارتخانه‌ای به صورت دولتی و غیردولتی به میزان تصدی‌گری آن اضافه کرد. اصناف از پرداخت مالیات بر درآمد سر باز نمی‌زنند. همین اصناف هستند که امور خیریه را انجام می‌دهند. حتی در طول تاریخ صنوف حوزه‌های علمیه را اداره می‌کردند.»

ابوالفضل توکلی‌بینا ادامه داد: «اگر امور اقتصادی را در اختیار مردم قرار دهیم ۸۰ درصد عدالت اجتماعی به شکل طبیعی برقرار می‌شود.»

مشاور کنونی رئیس جمهور به موضوع مصادره کارخانه‌ها در ایام ابتدایی انقلاب توسط بنیاد نیز اشاره می‌کند: «هنگامی که در بنیاد مستضعفان بودم کارخانه‌هایی که بی‌رویه مصادره شده بود به صاحبانش بازگردانده شد. این کارخانه‌ها سرمایه‌های مملکت است. بعضی‌ها به اشتباه تصور می‌کنند که اگر کارهای اقتصادی در دست دولت باشد نتیجه مثبتی خواهد داشت ولی این طرز فکر اشتباه است. دولت باید سیاستگزار باشد. وزیری که کارخانه و یا شرکت اداره کند وقت سیاستگزاری ندارد.»

ابوالفضل توکلی‌بینا در مورد نهادها و بنیادها می‌گوید: «شما ببینید نهادی مانند آستان قدس رضوی آیا نیاز دارد که کشاورزی، برج‌سازی و یا کارخانه‌های اتومبیل‌سازی به راه بیندازد. این کارها باید دست مردم باشد. آقا علی بن موسی‌الرضا نیاز به چنین فعالیت‌هایی ندارد. خیلی از نهادها مانند آستان قدس رضوی کار را از دست کسبه گرفته‌اند.»

مشاور رئیس جمهور در امور اصناف می‌افزاید: «کسبه‌ای که درآمد ندارد چگونه می‌تواند مالیات بپردازد. می‌گویند مالیات بر درآمد و نه مالیاتی که هر سال به شکل دستوری اعلام می‌شود، به میزان مشخصی اضافه از سال قبل پرداخت شود. اگر صنفی کار کرده باشد باید مالیات از آن گرفته شود. عکس این قضیه نیز باید صادق باشد و از کسانی که به صورت کلان کار می‌کنند مالیات گرفته نمی‌شود.»

توکلی‌بینا در مورد طرح پرداخت توافقی مالیات‌ها می‌گوید: «در دوران آقای هاشمی‌رفسنجانی برنامه‌هایی با وزارت امور اقتصادی و دارایی داشتیم که مالیات به صورت توافقی از اصناف گرفته شود. به آنها گفته می‌شد شاید کاسبی مغازه‌ای ۱۵۰ متری دارد اما نمی‌تواند به اندازه دو متر کار کند و از سوی دیگر کاسبی که دو متر جا دارد به اندازه ۱۵۰ متر کار می‌کند.»

مشاور رئیس جمهور در امور اصناف در مورد دولت‌های قبلی و شرایط آن دوران می‌گوید: «البته در دوران آقای هاشمی کارهای زیربنایی زیادی صورت گرفت یکی از مواردی که به آن اشاره شد ولی به طور کامل انجام نشد، خصوصی‌سازی بود. الان در اغلب کشورها کارها در دست مردم قرار دارد. نحوه دریافت مالیات هم تسهیل شده است چرا که درآمدهای کافی وجود دارد.» وی سپس به دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی اشاره می‌کند: «هنگامی که آقای خاتمی آمدند مشکلات دوره قبل را نداشتند. بسیاری از فعالیت‌های زیربنایی را هاشمی انجام داده بود.» ابوالفضل توکلی‌بینا تاکنون با سه رئیس جمهور همکاری نزدیک داشته است. او در مورد نحوه نگرش محمود احمدی‌نژاد به اصناف چنین ابراز عقیده می‌کند: «در همان ابتدا جلساتی با ایشان داشته و از نظرات ایشان مطلع شدیم. احمدی‌نژاد به بنده و آقای اعتمادیان گفت شما امین من باشید در مورد اصناف و اگر مشکلی وجود دارد انعکاس دهید تا آن را سریع برطرف کنم. از ایشان درخواست کردیم تا برای اصناف و بازرگانان کل کشور و صادرکنندگان و صنعت‌گران جلساتی داشته باشیم، رئیس جمهور نظرشان این بود که جلسات تشریفاتی نباشد.»

توکلی‌بینا به جلسه‌ای اشاره می‌کند که ۱۴۰ تن از نمایندگان اصناف زمانی در حدود سه ساعت را در کنار رئیس جمهور سپری کردند: «دو ساعت ونیم از جلسه را اصناف صحبت کردند. حتی آقای احمدی‌نژاد تاکید داشتند که باز هم بیشتر اصناف گوینده باشند تا ایشان از مشکلات شان آگاه شوند.»

مشاور رئیس جمهور می‌افزاید: «اصناف از وضعیت دانشگاه علمی- کاربردی در مورد آموزش گلایه داشتند و در حضور آنان رئیس دانشگاه علمی- کاربردی به دستور رئیس جمهور مشکل آموزش اصناف را حل کرد.» به اعتقاد مشاور رئیس جمهور چنین رفتارهایی می‌تواند نمادی از عمل‌گرایی باشد. توکلی‌بینا بر این باور است که شرایط در دولت احمدی‌نژاد برای اصناف تسهیل شده است. او می‌گوید: «ایشان شفاف فکر می‌کنند و بسیاری از نامه‌ها را خودشان به سرعت جواب می‌دهند. نظر رئیس جمهور این است که اصناف با میل و رغبت خودشان مالیات‌ها را پرداخت کنند.»

■ محمدرضا اعتمادیان: موتلفه نقشی در بازار ندارد

محمدرضا اعتمادیان در ۶۸ سالگی دوران مبارزه و سازندگی را پشت سر گذاشته است. اصالتی یزدی دارد و تحصیلات نوین را به اصرار مادرش در کنار درس‌های حوزه پشت سر گذاشته است. خود می‌گوید به غیر از درس انگلیسی که از آن تنفر داشته در سایر دروس جزء شاگردان ممتاز بوده است. برای آنکه هزینه‌های تحصیلش را فراهم کند به تهران مهاجرت می‌کند و در بازار مشغول به کار می‌شود. از طریق حضور در جلسات مذهبی با تشکیلات موتلفه اسلامی و شخص عسگراولادی آشنا می‌شود. در ایام تبعید امام به عراق وظیفه انتقال پیام شهید مطهری به امام را برعهده داشته است. پس از انقلاب به پیشنهاد شهید رجایی و اصرار شهید بهشتی مسئولیت اداره سازمان اوقاف را به جای عسگراولادی که باید به عنوان نماینده به مجلس می‌رفت، برعهده گرفت. معاون نخست‌وزیر در اولین سال فعالیتش وظیفه نظارت بر بیش از یک میلیارد تومان درآمد سازمان اوقاف را برعهده داشت. محمدرضا اعتمادیان ۸ سال در دوران ریاست خاتمی بر قوه مجریه سمت مشاور امور اصناف و کارگران را برعهده داشت و حالا در دوره حضور احمدی‌نژاد نیز همچنان به کارش ادامه می‌دهد با این تفاوت که او حالا مشاور امور اصناف و بازرگانان شده است.

محمدرضا اعتمادیان مطلع گفتار خود را با اشاره به جلسه اسفندماه سال ۸۴ اصناف با رئیس جمهور آغاز می‌کند: «خوشبختانه این جلسه نتیجه‌های بسیاری داشت و اصناف را خوشحال کرد. آنچه که باعث شد تا جلسه پرشور شود، درخواست شخص آقای احمدی‌نژاد بود که تاکید داشتند دیدار بدون تشریفات باشد.» مشاور امور اصناف و بازرگانان دولت نهم می‌گوید: «مشابه همین جلسه برای بازرگانان نیز برگزار شد. آقای احمدی‌نژاد در هر دو جلسه هم تاکید کردند که قصد دارند امور اجرایی را به شکل عملی به مردم واگذار کنند.»

هنوز اصناف به دولت اعتماد کامل پیدا نکرده‌اند. نمونه بارز آن نیز در آوردگاه پرداخت مالیات‌ها نمایان شد. اعتمادیان در این مورد می‌گوید: «اگر اطمینان نباشد شرایط مثل حالا می‌شود البته اوضاع قدری بهتر شده است ولی باید دیوار بی‌اعتمادی بین اصناف و دولت به طور کامل برداشته شود.»

تسهیل قوانین مالیاتی، بیمه، سود تسهیلات بانکی و خیلی موارد دیگر به اصلی‌ترین خواسته صنوف بدل شده است. اعتمادیان در این مورد می‌گوید: «هیچ کجای دنیا قوانین تامین اجتماعی مانند ایران نیست. هزینه‌های این گونه‌ای قیمت تمام شده کالا را بالا می‌برد. حداکثر میزان هزینه تامین اجتماعی در حدود ۱۵ درصد است. البته خبرهایی به گوش می‌رسد که میزان این هزینه‌ها در ایران پایین می‌آید. باید مراقب بود که تامین اجتماعی هم لطمه نبیند. به هر صورت می‌توان از کشورهای دیگر الگوبرداری کرد تا نواقص مشخص شود.»

ادامه در صفحه ۱۲

خلاصه مطلب

۱- «شاید تجربه کافی در اداره حکومت وجود نداشته که چنین وضعی پیش آمده است. البته خیلی از نواقص بعدها برطرف شد ولی اگر برخورد مناسبی با اصناف صورت می‌گرفت نباید آنها در حال حاضر ناراضی می‌بودند.»

۲- «شما ببینید نهادی مانند آستان قدس رضوی آیا نیاز دارد که کشاورزی، برج‌سازی و یا کارخانه‌های اتومبیل‌سازی به راه بیندازد. این کارها باید دست مردم باشد. آقا علی بن موسی‌الرضا نیاز به چنین فعالیت‌هایی ندارد. خیلی از نهادها مانند آستان قدس رضوی کار را از دست کسبه گرفته‌اند.»

۳- «اصناف از وضعیت دانشگاه علمی- کاربردی در مورد آموزش گلایه داشتند و در حضور آنان رئیس دانشگاه علمی- کاربردی به دستور رئیس جمهور مشکل آموزش اصناف را حل کرد.»

تفسیر اقتصادی

مسیر پرابهام

منصور بیطرف

روزنامه فاینشال تایمز در شماره اخیر خود اقدام به انتشار ۵۰۰ شرکت برتر جهان کرده است. رده‌بندی این شرکت‌ها که براساس «سرمایه بازار»- قیمت هر سهم ضرب در تعداد سهام- صورت گرفته حاوی نکات مهمی است.

نکاتی که می‌توان آن را در رویکرد جدید سیاست‌های اقتصادی کشورها که محور آن سپردن امور به بخش خصوصی است مشاهده کرد.

نکته جالب توجه در میان این ۵۰۰ شرکت آن است که ۱۹۷ شرکت آن به ایالات متحده، ۵۹ شرکت به ژاپن و ۳۸ شرکت به انگلستان تعلق دارد. همچنین ۳۰ شرکت آن مربوط به هفت کشور عربستان سعودی، برزیل، هند، امارات متحده عربی، مکزیک، ترکیه و آرژانتین است.

ارتقا و دسترسی اقتصاد این کشورها به فهرست ۵۰۰ شرکت برتر جهان حاکی از تغییر رویکرد سیاست‌های اقتصادی است که در آن کشورها روی داده است. کشورهایی که اگر آنها را به دو مجموعه مجزا تقسیم کنیم به نکات جالبی دست خواهیم یافت.

براساس این تقسیم‌بندی کشورهای عربستان سعودی، امارات و هند در یک طیف و کشورهای آرژانتین، مکزیک، برزیل و ترکیه در طیف دیگر قرار خواهند گرفت. در مجموعه اول هر چند سیاست اقتصادی هند تفاوت‌های شاخصی با دو کشور دیگر دارد اما به دلیل آنکه در «بسته» سیاست اقتصادی مجموعه دوم که سیاست‌های تعدیل پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول و یا بانک جهانی را به اجرا درآورده‌اند نمی‌گنجد، قرار گرفته است.

در مجموعه اول، سیاست‌های حاکم بر اقتصاد، دعوت از سرمایه‌گذاری خارجی، حمایت از بخش خصوصی به اضافه سیاست‌هایی که فشار زیادی بر اقشار کم‌درآمد جامعه نیاورد در اولویت است. اما محور اصلی در این سیاست که برخی از اقتصاددانان آن را تعدیل «سیاست تعدیل» نام نهاده‌اند، همانا رشد اقتصادی و کاهش تصدی‌گری دولت است.

همچنین منطقی شدن قیمت‌ها که موتور محرک اقتصاد به حساب می‌آید از اصول پایه‌ای است که آن را کنار نگذاشته‌اند. ایران ثمره این «بسته» سیاستی را که بخشی از آن در برنامه سوم توسعه به اجرا درآمد و تداوم آن را در قالب برنامه چهارم پیشنهاد نمود، دید.

اما در مجموعه دوم، سیاست‌های حاکم، «سیاست تعدیل» بود. سیاستی که بر مبنای آزاد شدن قیمت‌ها و کاهش تصدی‌گری دولت بر امور اقتصاد است.

سیاست تعدیل که برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۷۰ و ابتدای دهه ۱۹۸۰ در دو کشور برزیل و آرژانتین به اجرا درآمد باعث بروز تورم بالایی شد که انتقادهای شدیدی را از جانب منتقدان سیاست تعدیل در پی داشت، انتقادی که هرازگاهی آن را در ایران می‌شنویم.

چرا که این سیاست در برنامه‌های اول و دوم توسعه (که دومی هیچ وقت اجرا نشد) نیمه تمام به اجرا درآمد. سیاستی که تداوم آن به اضافه بسترسازی‌اش می‌توانست، اقتصاد ایران را متحول کند.

اما اکنون نتایج سیاست تعدیلی که در ایران سقط شد و فرزند «منگولی» را به دنیا آورد، در آن چهار کشوری که همواره زیر ضربات شدید انتقادها و فشارها بودند به طوری که به عنوان الگو و پرچمدار سیاست تعدیل شناخته شده بودند، مثمرثمر شده و برای مردمان آن کشورها، رونق به بار آورده است چرا که اکنون، جدا از رشد درآمدهای بالای سرانه، نرخ تورم و بیکاری- دو شاخص ثبات اقتصادی- در برزیل به زیر ۱۰ درصد، در آرژانتین به ترتیب ۱۲ و ۱۱ درصد، در ترکیه به زیر ۱۰ درصد و در مکزیک ۳ درصد رسیده است.

اما آنچه که مهم است آن است که در حال حاضر در ایران سیاست اقتصادی جامعی که مسیر مشخص و نگاه روبه‌جلو داشته باشد وجود ندارد. سیاست تعدیلی که می‌توانست در بخش خصوصی انگیزه قوی به وجود آورد «سقط» شد. ادامه برنامه سوم توسعه که روش منطقی را برای رشد اقتصادی و نیز رقابت در کشور و منطقه پیش‌بینی کرده بود و در برنامه چهارم گنجانده شده بود عملاً کنار گذاشته شده است.

بنابراین نه بخش خصوصی و نه بخش دولتی هیچ کدام نمی‌توانند آینده روشنی را برای خود و نیز اقتصاد کشور ترسیم کنند.

در این صورت آنچه که می‌ماند مسیر پرابهام و سنگلاخی است که فقط اقتصاد «پوپولیستی» می‌تواند برای مدت کوتاهی به کار گرفته شود تا در کشور آرامش ایجاد کند، اما نمی‌تواند بسترساز «اقتصاد رشد» باشد.